

گزارش

۳ پرده از آخرین بدهکاری های سینمایی



میلاد جلیل‌زاده

روزنامه‌نگار

برده اول کمیته انضباطی سینما

در عرف تجاری سینما کسب درآمد از طریق فروش بلیت در گیشه سریع‌ترین منبع دسترسی به پول است. بین ۲۵ تا ۳۰ درصد درآمد فیلم‌های سینمای آمریکا از طریق بلیت‌فروشی از سالن است وسالن‌ها غیر از جهت‌دهی به

جریان سینما کارکرد ویژه دیگری که دارند، همین پول سریع‌الوصول است. اما ظاهرا در ایران قضیه فرق می‌کند و مساله بدهی سینماداران به صاحبان فیلم‌ها به بحثی چالشی تبدیل شده است.

دوم مرداد ۱۳۹۷ بود که در جلسه شورای عالی اکران، رضا سعیدی‌پور و حبیب اسماعیلی به‌عنوان اعضای کمیته انضباطی انتخاب شدند. پیش از آن سیدضیاء هاشمی هم به‌عنوان عضو و دبیر این کمیته معرفی شده بود. این کمیته به‌عنوان یکی از اولین فعالیت‌هایش به ماجرای بدهی سالن داران به صاحبان فیلم‌ها ورود کرد. این کمیته قصد داشت قوانین جدیدی برای سالن‌های سینمایی وضع کند که با واکنش انجمن سینماداران مواجه شده است. سینمادارها حتی به حیدریان، رئیس وقت سازمان سینمایی وزارت فرهنگ و ارشاد نامه‌نوشتنند و گفتند که تصمیمات این کمیته را قبول ندارند. آنها می‌گفتند تنها مرجعی که به تصمیمات آن پایبند هستند، شورای صنفی اکران و بالا سر آن، شورای عالی اکران است و از آن سو، متولیان این کمیته هم به تخلفاتی اشاره می‌کردند که صاحبان سالن‌های سینما طی چندسال اخیر انجام داده‌اند و می‌گفتند که مقاومت سالن‌دارها دربرابر تصمیمات این کمیته، نوعی قانون‌گریزی و به‌تعبیری خودسری است. سیدضیاء هاشمی همان‌روزها در این‌باره در گفت‌وگویی با «فرهیختگان» تصریح کرد که سینماداران در ارائه سهم‌شان به صاحبان فیلم‌ها کوتاهی می‌کنند. او همچنین باذکر مثالی گفت حدود سه‌ماه از نمایش بازی‌های فوتبال جام‌جهانی در سالن‌های سینمایی می‌گذرد و ما یارها درخواست کرده‌ایم که سالن‌دارها بر مبنای بلیت ۱۵ هزار تومانی، ۵۰ درصد سهم صاحبان آثار را به حساب خانه سینما واریز کنند که از میان حدود ۷۰ سالن، فقط تعداد محدودی به تعهدشان عمل کرده‌اند. هاشمی در انتهای آن صحبت‌ها گفت: «من به این نسل سینماداری که به‌صورت سنتی است، امید چندانی ندارم. وقتی پردیس‌ها شکل می‌گیرند، خیلی از معادلات کاملا عوض می‌شود. در چند سال آینده این اتفاقات خواهد افتاد و نظام خوبی حاکم می‌شود. این شکل که با آن مشکل داریم، شکلی سنتی است. بسیاری از سینماداران ابتدا زیربار سینماتیکت و خرید الکترونیکی بلیت هم نمی‌رفتند، اما الان می‌بینیم ۷۰ تا ۸۰ درصد فروش بلیت سالن‌های سینما ازطریق سینما تیکت است.»

اما حالا معلوم می‌شود نته‌ها سینماتیکت، بلکه سامانه سمفا هم نتوانسته این مشکل را حل کند و نه‌فقط سالن‌های سنتی و سالن‌های شهرستان چنین مشکلی دارند، بلکه اتفاقا بدهکاران کلان و اصلی‌تر پردیس‌های بزرگ تهران هستند.

برده دوم سمفا

یکی، دوماه بیشتر از نوروز ۱۳۹۹ نگذشته بود که اتحادیه پخش کنندگان سینمایی با رئیس سازمان سینمایی جلسه‌ای گذاشتند و قرار شد سامانه جامعی برای فروش بلیت در سینمای ایران راه‌اندازی شود تا هم‌زمان با بازگشایی مجدد سالن‌ها بعد از قرنطینه سراسری شروع به کار کند. نام این سامانه سمفا بود و اولین امتیازی که به پخش‌کننده‌ها می‌داد، تقسیم خودکار پول بلیت بین سالن‌دار و پخش‌کننده درحمان لحظه خرید اینترنتی بلیت‌ها محسوب می‌شد. پخش‌کنندگان از مدت‌ها پیش اعتراض می‌کردند که چرا سالن‌داران سهم آنها از فروش بلیت را دیر می‌پردازند و این سامانه مساله را لااقل از آن به بعد برایشان حل می‌کرد. پس از آن، مساله به چهارگانه شدن مراجع فروش اینترنتی بلیت در سینمای ایران برمی‌گشت. سرتیپی، رئیس اتحادیه صنفی پخش‌کنندگان، در توضیح این مورد گفت: «سمفا در واقع یک تریمنال است که مدیریت آن در دست وزارت ارشاد قرار دارد و به‌جای یک شرکت، در حال حاضر چهارشرکت در این سامانه برای فروش بلیت‌ها فعال می‌شوند. هر کدام از این چهارشرکت می‌توانند به سینماداران وصل شوند و هرکدام که بتوانند خدمات بهتری را به سینماداران و صاحبان فیلم‌ها ارائه دهند، بیشتر می‌توانند در این زمینه کار کنند.» سمفا به‌معنای سامانه مدیریت فروش و اکران فیلم‌هاست. از چندسال پیش تا به‌حال، فروش اینترنتی بلیت در سینمای ایران توسط سایت سینماتیکت انجام می‌شد. محمدرضا فرجی، مدیرکل نظارت بر عرضه و نمایش فیلم در سازمان سینمایی هم در ۲۵ خرداد ۱۳۹۹ اعلام کرد تاکنون ۲۰۱ سینما با ۶۶۴ سالن به سمفا متصل شده‌اند. او گفت سال گذشته این سینماها ۹۲ درصد از فروش سینمای ایران را داشته‌اند و پیش‌بینی کرد سایر سینماها و سالن‌های نمایش فعال هم در چند روز آینده به‌ترتیب درخواست‌شان به سامانه فروش سمفا متصل شوند.

با سمفا می‌شد مطمئن بود که از این به‌بعد امکان اضافه شدن بر حجم بدهی سالن‌داران به صاحبان فیلم‌ها وجود ندارد، اما بدهی‌های قبلی قطور باید تسویه شوند؟

برده سوم وام امید

۶ مرداد ۱۳۹۹ بود که سید محمدمهدی طباطبایی‌نژاد، معاون ارزشیابی و نظارت سازمان سینمایی اعلام کرد: «پیرو جلسات متعددی که درخصوص بدهی سینماداران به پخش‌کنندگان داشتیم، لیست بدهی سالن‌داران به صاحبان فیلم‌ها نهایی شد که جمع آن شامل سینماهای سراسر کشور، ۱۶۱۵ میلیارد تومان می‌شود.» طباطبایی‌نژاد ادامه داد: «این لیست امروز به صندوق اعتباری هنر اعلام و مقرر شده ازطریق صندوق اعتباری امید، وام چهاردرصدی جهت تسویه‌حساب پخش‌کنندگان به سینماها پرداخت شود.» طباطبایی‌نژاد با بیان اینکه سینما داران متعهد به پرداخت این بدهی می‌شوند، ادامه داد: «این پول باید به چرخه تولید برگردد تا برای دست‌اندرکاران سینما ایجاد شغل کند و بزنجیره تولید تا اکران کامل شود.» او با اشاره به فعالیت سه‌در سال جاری و عدم جلوگیری از انباشته شدن بدهی سینماداران گفت: «قطعا با سازوکار سمفا این بدهی‌ها مانند گذشته انباشته نخواهد شد.» یک هفته بعد اعلام شد که سازمان سینمایی در راستای سیاست‌های حمایتی خود در جبران ضرر و زیان صنعت سینما ناشی از شیوع ویروس کرونا، مجموع این مبلغ را در قالب حمایت پرداخت خواهد کرد. در ادامه این بیانیه عنوان شده بود که مراجعه به صندوق اعتباری هنر جهت ارائه تقاضای وام و مدارک، از ۱۰ شهریور آغاز شده و تا ۲۰ شهریور ادامه خواهد داشت و بنابر اعلام قبلی این زمان قابل تمدید نخواهد بود.

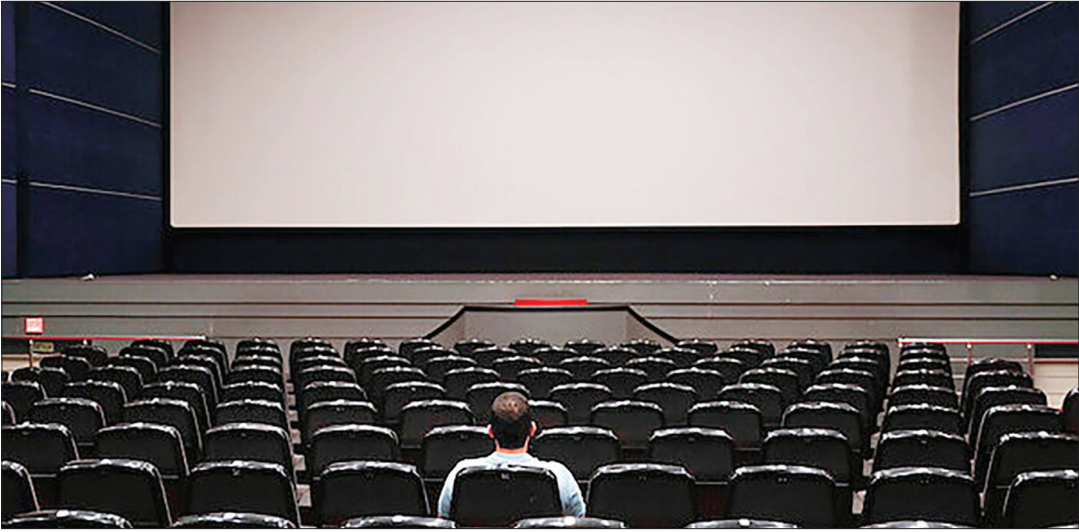
بالاخره فهرست سالن‌های بدهکار و میزان بدهی شان اعلام شد و بزرگ‌ترین نام‌ها، در بین کلان‌ترین بدهکاران دیده شدند. علی سرتیپی که خودش از اصلی‌ترین حامیان سمفا بود، حالا به‌عنوان مدیر بزرگ‌ترین مجموعه بدهکار به صاحبان فیلم‌ها، کلان‌ترین وام را دریافت می‌کند و نام مگامال و تیرازه هم در بین بدهکاران بود. یکی دیگر از نام‌هایی که با انتشار این فهرست جلب توجه کرد، محمدرضا صدق زنجکشان بود. او در دی‌ماه ۱۳۹۷ گفت: «خودتان می‌توانید بررسی کنید که امروز جزء معدود اشخاصی هستم که یک‌ریال به شخصی یا بانک یا موسسه‌ای بدهکار نیستم. اگر این حرفی که می‌زنم درست نبود، هیچ بخشی از گفته‌هایم را پخش نکنید.»

با انتشار فهرست سینماهای بدهکار به فیلمسازان که برای دریافت وام به صندوق اعتباری هنر معرفی شده‌اند، نام سینما آستارا که زنجکشان سرمایه‌گذار پرکار سینمای ایران سهام‌دار اصلی آن است، هم به چشم خورد؛ سینمایی که ۳۳۰ میلیون تومان به صاحبان فیلم‌ها بدهکار است. حالا مشخص می‌شد که سرمایه‌گذار پرکار سینمای ایران بدهی‌اش را به‌موقع نداده و به‌جایش در فیلم‌ها شراکت کرده، این مساله‌ای است که درمورد بسیاری از سالن‌داران دیگر هم مطرح بود، چون آنها هم در تولیدات سینمای ایران به‌عنوان سرمایه‌گذار یا تهیه‌کننده حضور داشتند. سیدجمال ساداتیان، مدیر سینما تیرازه که تهیه‌کننده فعال این سالن‌هاست و نامش در لیست بدهکاران قرار گرفته، از این جمله است. زنجکشان همیشه گفته است تا حالا یک‌ریال از جایی وام نگرفته و با انتشار فهرست سازمان سینمایی مشخص شده که قرار است ۳۳۰ میلیون تومان از صندوق اعتباری هنر برای سالن بدهکارش وام بگیرد. چنانکه مشخص است، مرز کاملا واضحی بین بدهکاران و بستانکاران گیشه سینمای ایران وجود ندارد و این درحالی است که مقدار قابل توجهی از اعتراضات نسبت به این موضوع از جانب بعضی از همین افراد شنیده شده بود.

فرهنگ

«فرهیختگان» از زوایای طرح جدید سازمان سینمایی برای حمایت از سینمادارها گزارش می‌دهد

شعاردهی به کام رزومه یا رنج نداشتن مشاوران حاذق؟



سال ۹۸، سال بسیاری بدی برای سینمای ایران بود. سالی که اگر فصل بهار آن را کنار بگذاریم، ۹ ماه بعدی اش، با صنعت نیمه‌جان ورشکسته‌ای

مواجه می‌شویم که نه مهندسی درستی برای چینش آثار داشت و نه درایت هوشمندانه‌ای برای فصول کم‌رونقش. در کنار تمام این بی‌برنامگی‌ها، اتفاق‌های ویژه‌ای نظیر اغتشاشات آبان‌ماه، ترور سردارسلیمانی و البته شیوع ویروس کرونا را نیز داشتیم که سبب شد درهای سینما و اقتصاد آن برای هفته‌ها بسته بماند.

در این مدت اما معضل، دخل‌وخرج به‌روز و جاری سینماها و آدم‌های متصل به این اقتصاد نبود. سینماها، فیلم‌هایی را اکران کرده بودند که باید طی یک زمان حدودا مشخص، نسبت به پرداخت سهم خود به تهیه‌کننده و پخش‌کننده اقدام می‌کردند. این سهم فروش که شامل ۵۰ درصد قیمت هر بلیت می‌شد، در روزگار بسته بودن سینما، خرج حقوق پرسنل و دیگر هزینه‌های جاری سینماهای بسته شده بود و دیگر عملا پولی نماند که سینماها به صاحبان آثار بدهند. از این‌رو در کنار تمامی معضلاتی که کرونا با خودش به‌همراه آورد، یک بحران بزرگ به نام «بدهی سینمادارها به صاحبان فیلم‌های اکران‌شده» شکل گرفت؛ بحرانی که چیزی حدود ۱۶ میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان را شامل می‌شد.

طی سه‌ماه نخست اسسال، این بحث تنها روی کاغذ، محلی برای جدل تهیه‌کنندگان و پخش‌کنندگان با سینمادارها بود. سینمادارهایی که با ورشکست شده بودند و بعضا سینماهای خود را از اسفندماه تا امروز بازگشایی نکرده‌اند یا بخشی از پرسنل خود را تعدیل کرده بودند.

از اوایل تابستان بود که زمزمه‌هایی ازسوی سازمان سینمایی مبنی بر مساعدت درجهت رفع این بحران شنیده شد. اوایل مرداد بود که محمدمهدی طباطبایی‌نژاد به‌عنوان معاون نظارت و ارزشیابی سازمان سینمایی، خروجی جلسه ششم مرداد را اعطای وام با سود ۴ درصد به سینمادارها برای پرداخت بدهی خود عنوان کرد و اینکه لیست نهایی شده در همان روز برای صندوق اعتباری هنر ارسال شده است. چند روز بعد از این اتفاق، چهار تهیه‌کننده (مصطفی کیایی، محمدرضا تخت‌کشیان، مرتضی شایسته و امیر آشتیانی‌پور) که گویا اعطای این وام را چندان جدی نگرفته بودند، طی نامه‌ای به سازمان سینمایی، از تراج سرمایه‌های سینما نوشتند و خواستار حل فوری این بحران شدند.

پیگیری خبرگزاری‌ها تا پایان مرداد حاکی از آن بود که هیچ اتفاق مثبتی در این رابطه رخ نداده و در روی همان پاشنه قبلی درحال چرخش است. برای مدتی این موضوع مسکوت ماند تا اینکه چند روز پیش اعلام شد سینمادارها برای ثبت‌نام وام ۴ درصدی می‌توانند در دهم تا بیستم شهریور به صندوق اعتباری هنر مراجعه کنند. در همین کش‌وقوس، سازمان سینمایی لیستی از سینماهای بدهکار و فیلم‌های طرف قرارداد با آن سینماها که هنوز بدهی خود را وصول نکرده‌اند، منتشر کرد.

در ادامه نگاهی خواهیم انداخت به اصل این اتفاق و البته آماری که سازمان سینمایی منتشر کرده است.

۹ بدهکارترین سینماها کدام‌اند؟

طبیعتا پردیس‌های چندسالته که فیلم‌های بیشتری را در سانس‌بندی‌های متنوع‌شان نمایش می‌دهند در سرلیست این فهرست قرار دارند؛ پردیس کورش با ۲ میلیارد و ۱۰۰ میلیون تومان در اس این جدول قرار دارد. پردیس باغ کتاب با یک میلیارد و ۳۰۰ میلیون تومان در رتبه دوم و پردیس آزادی با یک میلیارد و ۱۰۰ میلیون تومان در رده سوم قرار دارند. پردیس اطلس مشهد با ۸۷۰ میلیون، پردیس هویزه مشهد با ۷۵۰ میلیون، پردیس مگامال با ۷۸۰ میلیون و شهرآفتاب شیراز با ۶۲۰ میلیون تومان در رتبه‌های بعدی قرار دارند. موسسه تصویرشهر که ۴ سینمای زیرمجموعه به نام‌های پردیس ملت، راگا، تماشا و رازی در اختیار اوست، درمجموع حدود یک میلیارد تومان بدهی دارد.

سینماهای حوزه هنری در سراسر کشور (به استثنای پردیس آزادی و سینما پیروزی تهران)، در ۳۸ سینما چیزی حدود ۳ میلیارد و ۳۰۰ میلیون تومان بدهی دارند که یک‌نجم کلی بدهی سینماداران را شامل می‌شود. اگر بخواهیم بدهی پردیس آزادی و سینما پیروزی تهران را هم به این آمار اضافه کنیم به رقمی حدود ۴ میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان می‌رسیم.

۹ برخی سوالات مشکوک درباره آمار سازمان سینمایی

در این فهرست، اسامی برخی پردیس‌های بزرگ نظیر ایران‌مال و چارسو و البته برخی سینماهای تک یا دوسالته نیامده که احتمالا به‌معنای نداشتن بدهی بوده که این اتفاق با توجه به فعالیت محدود این سینماها طی سال جاری، بسیار عجیب به نظر می‌رسد. ازسوی دیگر برخی تناقض‌های جالب نیز در این آمار به چشم می‌خورد، به‌عنوان مثال پردیس سینمایی کورش که با مدیریت علی سرتیپی اداره می‌شود برای فیلم‌های «مطرب»، «سونامی» و «۲۳ نفر» به دفتر فیلمیران که متعلق به سرتیپی است، بدهکار است که رقم این بدهی بیش از ۲ میلیارد تومان است. این اتفاق برای چند دفتر پخش دیگر که مدیرانش صاحبان سینما هستند نیز تکرار شده. جالب آنکه شخصی مانند علی سرتیپی در فیلم «سونامی»، هم تهیه‌کننده است و هم پخش‌کننده و از آن سو، دفترش نتوانسته پول این فیلم را از سهم اکران پردیس کورش که در مدیریت سرتیپی است، فراهم کند! اینکه مدیر یک سینما، خودش به خودش بدهکار می‌شود را باید

میلیون تومان وام کم‌بهره پرداخت کند. وام‌هایی که چندان ازسوی صاحبان سینماها جدی گرفته نشد و درنتیجه استقبالی هم از آن به عمل نیامد؛ حال در این مورد هم شرایط به گونه‌ای، مشابه همان پیشنهاد است.

سازمان سینمایی درحالی توپ را به زمین سینمادارها انداخته که آنها در دخل‌وخرج ابتدایی و روزمره خود نیز عاجز هستند و برخی از آنها اصلا سینماهای خود را طی اسسال بازگشایی نکرده‌اند؛ آن‌وقت چگونه قادر خواهند بود اقساط خود را با سود به صندوق اعتباری هنر پرداخت کنند؟ آن‌هم در روزگاری که همان تعداد سینماهایی که اقدام به بازگشایی کرده‌اند نیز با حداقل امکانات به جریان اکران بازگشته‌اند. مثلا همین پردیس آزادی به‌عنوان یکی از قدرتمندترین مراکز اکران فیلم در ایران، طی هفته‌های گذشته حدود ۵۰ پرسنل خود را تعدیل کرده است آن‌وقت چه انتظاری از دیگر سینماهای کوچک یا سینماهای شهرستان‌ها می‌توان داشت که بخواهند از این وام استقبال کرده و اصل وام را به‌همراه سود آن به صندوق اعتباری هنر پرداخت کنند؟ سینمادارها اگر این امکان را داشتند، از همان وام ۱۰ میلیونی برای هر پرده استقبال می‌کردند ولی وقتی آنها استطاعت پرداخت وام چنده میلیون را ندارند، چگونه می‌توانند اقساط وام‌های سنگین‌تر را پرداخت کنند؟

همان زمان سینماگران اعلام کردند پرداخت وام ۱۰ میلیونی، دردی از آنها دو نمی‌کند و درنتیجه اصلا به‌سراغ آن وام نرفتند. آن وام ۱۰ میلیونی قرار بود به خود آنها برسد حال آنکه این وام جدید قرار نیست به آنها برسد و قرار است بدهی گذشته آنها را اضافه کند، درنتیجه این سینماهایی که در خرج روزانه خود نیز مانده‌اند، به چه دلیل باید برای تسویه بدهی گذشته خود پیش‌قدم شده و خود را به خرج بیندازند که پولش در جیب صاحبان فیلم‌های سال گذشته برود؟ البته با نگاهی به فیلم‌های طلبکار متوجه می‌شویم این آمار تا انتهای سال ۹۸ تنظیم شده و فیلم‌هایی که از اسسال روی پرده رفته‌اند، مشمول این طرح نمی‌شوند. این اتفاق زمانی مهم نشان داده می‌شود که سمفا، تنها روی کاغذ اجرایی شده و بسیاری از سینمادارها تا واسط تابستان از این حقیقت معترف بودند که سازوکار عملی سمفا هنوز اجرایی نشده. در همان زمان بخشنامه‌ای منتشر شد که طی آن به سینمادارها گفته شده بود سیستم تسویه‌حساب با صاحبان آثار، فعلا مانند قبل است. بنابراین تا توجه به وضعیت بغرنج سینماها طی ماه‌های گذشته، بدهی آنها به چند فیلم نمایش داده شده اسسال که رفته‌رفته به تعدادشان هم افزوده شده گرفتار مصائبی خواهد شد که طی ماه‌های پیش‌رو دامن آنها و البته سازمان سینمایی را خواهد گرفت.

باید توجه داشته باشیم بخش عمده‌ای از این ۱۶ میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان قرار است به «مطرب» برسد. فیلم مصطفی کیایی سال گذشته حدود ۴۰ میلیارد تومان فروخت که نیمی از این مبلغ، به تهیه‌کننده و پخش‌کننده می‌رسد یعنی حدود ۲۰ میلیارد. حال آنکه بیش از نیمی از این مبلغ قرار است هم‌اکنون و درصورت استقبال تمامی سینمادارها از این وام، به پخش‌کننده و تهیه‌کننده «مطرب» برسد. خودتان قضاوت کنید ارزش این پول را در زمستان ۹۸ با ارزش آن در پاییز ۹۹.

با کنار هم گذاشتن تمام این مسائل به یک مطالبه اصولی و منطقی می‌رسیم: اگر با میزان کیفیت طرح‌های سازمان سینمایی برای نجات سینمادارها کاری نداشته باشیم باید اذعان کنیم بیشترین میزان حمایت این سازمان، به‌ظاهر از سالن‌های سینما بوده. هم‌اکنون قرار است بیش از ۱۶ میلیارد تومان در قالب وام به آنها تعلق بگیرد آن‌وقت تکلیف معیشت اهالی سینما چه می‌شود؟ خانه سینما به‌عنوان اصلی‌ترین کانون تجمع اهالی سینما در این ۷ ماهی که از شیوع کرونا می‌گذرد چه اقدامی برای اهالی خود انجام داده است؟ آن‌وقت سازمان سینمایی چرا باید میان اهالی سینما دچار این تبعیض شود که از یک صنف حمایت گسترده‌تری به عمل بیاورد و از دیگر اصناف خیلی خیلی کمتر؟!

با سازمان سینمایی با این طرح‌ها تنها به دنبال پرکردن رزومه حمایت‌گرانه خودش است و به کیفیت این طرح‌ها و سرانجام آنها و البته نتیجه‌ای که به‌همراه می‌آورد، کاری ندارد یا از مشاورانی برخوردار است که آدرس اشتباه را به مدیران سازمان نشان داده و به‌جای اعمال طرح‌های کلیدی که چندان هم پیچیده نیستند، به چنین طرح‌های عجیبی روی آورده و به این ترتیب سبب فاصله عجیب جامعه سینمایی کشور از مدیران خدمتگزار خود می‌شوند. آیا تاریخی را به یاد می‌آوردید که اهالی سینما تا این میزان از مدیریت سینمایی فاصله گرفته و آنها را به احوال‌شان غریبه بدانند؟